



مقدمه حقوق



دوره ۹ - شماره ۲۸ - تابستان ۱۴۰۵

آثار حقوقی ناشی از گشایش اعتبار اسنادی نسبت به خریدار و ذینفع
همایون مافی، محسن رئیسی، احمدرضا امیری لاریجانی
امکان سنجی عدالت کیفری بین‌المللی برای رسیدگی به اکوساید در چهارچوب تغییرات اقلیمی
سبحان طیبی، ماجده معقولی
تحلیل ماهیت و سازوکار اجرای تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری با تأکید بر رویه دیوان در مواجهه با خلأ حقوقی
سمیه رحمانیان، پوریا ابراهیم زاده
منع سوءاستفاده از اضطرار در نظام حقوقی ایران
زینب قادری، عبدالمجید یوسفی، ستار فخرایی
مطالعه تطبیقی شرط انفساخ در حقوق ایران و نهاد انحلال قرارداد در کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
حکیمه محمودسلطانی، مهدی شیخ محمودی
ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه
صابر سیاری زهان
چالش‌های اسناد الکترونیکی در حقوق ایران
محمدرضا عبدی، ساسان وزین پور
نقش دوگانه هوش مصنوعی در مقابله با اطلاعات نادرست و جعل عمیق: چالش‌ها و راهکارها
عاطفه لرججوری، سیداحمد پیروندیزی
ماهیت حقوقی شرط بنایی در فقه امامیه و حقوق ایران؛ تبیین مبانی اعتبار و قلمرو آن در قراردادهای مشارکت مدنی
سیدعلیرضا حسینی، محمدرضا رستمی، طاهره جعفری
بررسی فقهی و حقوقی جایگاه و نقش وصیت اشخاص بلاوارث در تعیین تکلیف دارایی بعد از فوت
سیده نازنین موسوی
مبانی، شرایط و آثار قراردادهای تأمین کیفری متهم در نظام کیفری ایران
کامران رحیمی سکه روانی
بررسی فقهی بطلان معاملات در قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
مهدی رجائیان، جعفر قجه بیگلر
بره دیدگی اطفال و نوجوانان در فضای سایبری و متاورس: مروری بر شناخت علل تا راهکارهای پیشگیری و مقابله با آن
جواد چراغی
تحلیل نقش‌های حمایتی کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا در زمینه تسهیل و صیانت از تجارت بین‌المللی
اسماعیل چوگانی
کارکرد سیاست جنایی دادستانی در پیشگیری و تعقیب جرائم ناقض حقوق عامه
وحید کیومرثی
مطالعه تطبیقی قاعده استقلال شرط دآوری در حقوق ایران، فرانسه، انگلستان و قانون نمونه آنسیترال؛ نظریه‌ها و رویه‌ها
سعید جوهر
وضعیت معاملات مجنون ادواری در حقوق ایران و انگلستان
امیرمحمد توکلی، ستایش حاج رجبعلی طهرانی، فاطمه اله وردی، امیررضا نقروی
تأثیر قوانین سختگیرانه بر رفتارهای مرتبط با خرید و فروش مواد مخدر
حمیدرضا قناعتیان
نقش صلح آمیز انرژی هسته‌ای در حقوق ایران و نظام بین‌الملل با رویکرد جدید
مجاهد امیری، فاطمه اصغرزاده شیرازی
تأثیر فناوری‌های نوین، هوشمندسازی و تحول دیجیتال در اجرای قانون الزام به ثبت رسمی معاملات اموال غیرمنقول
نگار فولادی، وجیهه محسنی
تحلیل جرم شناختی قاچاق کالا در استان هرمزگان
احمد پدیدار، محمد کمالی
قرارداد هوشمند در نظام حقوقی ایران
مهدی صالحی زاده
چالش‌های حقوقی دولت الکترونیک و مسئولیت مدنی دولت
سعید سردشتی بیرجندی
اصل بی طرفی تحصیل دلیل در فرآیند دادرسی کیفری ایران
محمدحسن ملک محمدی
تحلیل کیفی مبانی و قلمرو مسئولیت کیفری در ارتکاب جرائم ناشی از سندرم پای بی قرار: تعامل اختلال عصبی-حرکتی با
ارکان تقصیر و قابلیت انتساب
زهره عنالوی اصفهانی
نسبت قاعده و استثناء در حقوق مدنی ایران: با تأکید بر اصل لزوم قراردادهای و موارد خروج از آن
امیررضا علی تبار
نهادسازی اساسی: ثبت‌نام در ارتش و حبس دسته‌جمعی در ایالات متحده آمریکا
برایان سایکز، امی کیتی بابلی، یاسر شاکری



A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law

ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه

Saber Sayyari Zohan

Master of Science in Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Ferdowsi University, Mashhad, Iran

صابر سیاری زهان

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران

mrsaber1379@gmail.com

<http://orcid.org/0009-0009-2434-0193>

Abstract

Collusion to commit a crime is considered one of the important institutions of contemporary criminal law, which has always been the subject of serious theoretical debates and differences of opinion due to its location on the border between criminal thought and the beginning of the execution of the crime. The importance of this institution lies in the fact that in some cases, the mere voluntary agreement between two or more persons to commit a crime, even before the actual conduct, can be the basis for criminal liability. In the Iranian legal system, the criminalization of collusion has been given the attention of the legislator sporadically, mainly in the field of crimes against the internal and external security of the country (the subject of Article 610 of the Islamic Penal Code). In this framework, the realization of criminal liability often requires the existence of a criminal agreement along with preliminary measures in order to commit the crime, even if the final result is ruled out for reasons beyond the will of the perpetrators. In contrast, French criminal law, with a more systematic approach, has criminalized criminal agreement, especially in organized crimes and major crimes against public security and order, as one of the preventive tools of criminal law. The present study, using a descriptive-analytical method and a comparative approach, examines the material and moral elements of collusion, as well as the theoretical and criminal policy foundations of its criminalization in the two legal systems of Iran and France.

Keywords: Collusion, Criminal Agreement, Criminalization, Crimes Against Security, Comparative Criminal law.

چکیده

تبانی برای ارتکاب جرم از نهادهای مهم حقوق کیفری معاصر به شمار می‌رود که به دلیل قرار گرفتن در مرز میان اندیشه مجرمانه و آغاز عملیات اجرایی جرم، همواره محل بحث‌های نظری و اختلاف دیدگاه‌های جدی بوده است. اهمیت این نهاد در آن است که در برخی موارد، صرف توافق ارادی میان دو یا چند شخص برای ارتکاب جرم، حتی پیش از تحقق رفتار مادی، می‌تواند مبنای مسئولیت کیفری قرار گیرد. در نظام حقوقی ایران، جرم‌انگاری تبانی به‌طور پراکنده و عمدتاً در حوزه جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور (موضوع ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵) و همچنین در برخی فروع مرتبط با جرائم دیگر (موضوع ماده ۶۱۱ همان قانون) مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته است. در این چهارچوب، تحقق مسئولیت کیفری غالباً مستلزم وجود توافق مجرمانه همراه با اقدامات مقدماتی در راستای اجرای جرم است، هرچند وقوع نتیجه نهایی به دلایل خارج از اراده مرتکبان منتفی شده باشد. در مقابل، حقوق کیفری فرانسه با رویکردی نظام‌مندتر، توافق مجرمانه را به‌ویژه در جرائم سازمان‌یافته و جرائم مهم علیه امنیت و نظم عمومی، به‌عنوان یکی از ابزارهای پیشگیرانه حقوق کیفری جرم‌انگاری کرده است. پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، به بررسی ارکان مادی و روانی تبانی و همچنین مبانی نظری و سیاست جنایی جرم‌انگاری آن در دو نظام کیفری ایران و فرانسه می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهند که اگرچه هر دو نظام در راستای صیانت از نظم عمومی و پیشگیری از جرائم شدید، تبانی را به رسمیت شناخته‌اند، اما در زمینه قلمرو شمول، شرایط تحقق و مبانی توجیهی مسئولیت کیفری، تفاوت‌های ماهوی و ساختاری قابل توجهی میان آن‌ها وجود دارد.

واژگان کلیدی: تبانی، توافق مجرمانه، جرم‌انگاری، جرائم علیه امنیت.

ارجاع:

سیاری زهان، صابر؛ (۱۴۰۵)، ارکان و مبانی جرم‌انگاری تبانی برای ارتکاب جرم در حقوق کیفری ایران و فرانسه، تمدن حقوقی، شماره ۲۸.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

تبانی برای ارتکاب جرم از جمله مفاهیم بنیادین و درعین حال مناقشه‌برانگیز حقوق کیفری معاصر است که به دلیل قرار گرفتن در مرز میان «اندیشه مجرمانه» و «رفتار مادی قابل مجازات»، همواره محل بحث میان حقوقدانان بوده است. در چهارچوب تحولات سیاست جنایی مدرن، گرایش به پیشگیری از جرم موجب شده است که مداخله کیفری از مرحله تحقق کامل جرم فراتر رفته و به مراحل مقدماتی نیز تسری یابد. در این میان، تبانی به عنوان توافق ارادی دو یا چند نفر برای ارتکاب جرم، یکی از مصادیق بارز جرائم مانع محسوب می‌شود؛ جرائمی که هدف اصلی از جرم‌انگاری آن‌ها نه صرفاً واکنش به وقوع جرم، بلکه جلوگیری از شکل‌گیری و تحقق جرائم شدیدتر و حمایت پیشینی از امنیت عمومی و امنیت ملی است (حبیب‌زاده و مومنی، ۱۳۸۹).

از منظر نظری، مبنای مشترک جرم‌انگاری تبانی در نظام‌های حقوقی مختلف بر این فرض استوار است که همکاری و هم‌فکری مجرمانه، صرفاً یک توافق ذهنی ساده نیست، بلکه موجب ایجاد یک ظرفیت جدید و مضاعف برای ارتکاب جرم می‌شود. این همکاری می‌تواند خطر وقوع جرم را افزایش داده و احتمال تحقق جرائم سنگین‌تر را تقویت کند. از این رو، آن چه مبنای مداخله حقوق کیفری قرار می‌گیرد صرف وجود قصد مجرمانه نیست، بلکه ظهور این قصد در قالب یک رفتار عینی یعنی توافق و

هماهنگی میان اشخاص است. بدین ترتیب، تبانی واجد جنبه‌ای عینی و خطرآفرین است که آن را از اندیشه صرف متمایز ساخته و در قلمرو حقوق کیفری قرار می‌دهد (سمیعی زنوز، ۱۳۹۱، ۲۲۰).

در حقوق ایران، این رویکرد در قالب جرم‌انگاری دوگانه تبانی نمود یافته است؛ به گونه‌ای که قانون‌گذار در ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، تبانی در جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی را به‌طور مستقل جرم دانسته و در ماده ۶۱۱ همان قانون، تبانی در سایر جرائم را در صورتی قابل مجازات می‌داند که مقدمات اجرایی جرم فراهم شده باشد، اما به دلیل مداخله عاملی خارج از اراده مرتکبان، جرم مورد نظر به نتیجه نرسد. در حقوق کیفری فرانسه نیز تبانی جایگاه مهمی در سیاست جنایی پیشگیرانه دارد. قانون‌گذار فرانسوی با جرم‌انگاری این رفتار در ماده‌های ۴۱۲-۲ و ۷۱-۱۳۲ قانون جزا، رویکردی متمایز از قواعد کلاسیک حقوق کیفری اتخاذ کرده است؛ به نحوی که در برخی موارد، حتی اعمال مقدماتی ساده نیز به دلیل ماهیت سازمان‌یافته و خطر بالقوه ناشی از همکاری مجرمانه، قابل تعقیب کیفری محسوب می‌شوند. این تحول نشان‌دهنده فاصله گرفتن تدریجی از اصل عدم مجازات اعمال غیراجرایی و حرکت به سوی پذیرش مداخله زودهنگام کیفری در مواجهه با جرائم سازمان‌یافته و تهدیدهای جدی علیه جامعه است. علاوه بر این، توسعه قلمرو جرم تبانی در حقوق فرانسه و تسری آن به طیف گسترده‌ای از جنایات و جنحه‌های مهم، بیانگر اهمیت روزافزون رویکرد پیشگیرانه در این نظام حقوقی است.

بر این اساس، پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و رویکرد تطبیقی، درصدد بررسی ارکان مادی و روانی جرم تبانی و تحلیل مبانی جرم‌انگاری آن در حقوق کیفری ایران و فرانسه است. همچنین، این پژوهش تلاش می‌کند تا با مقایسه دو نظام کیفری، شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در قلمرو جرم‌انگاری، شرایط تحقق و فلسفه تقنینی تبانی را تبیین کرده و به این پرسش اساسی پاسخ دهد که هریک از این دو نظام تا چه اندازه در جهت تحقق اهداف سیاست جنایی پیشگیرانه و حمایت از امنیت عمومی گام برداشته‌اند؟

۱- مفاهیم

امنیت‌گرایی: امنیتی‌سازی یا امنیت‌گرایی مفهومی چندوجهی است که در ادبیات حقوقی و سیاسی به دخالت و مداخله فزاینده دولت در عرصه‌های مختلف اجتماعی اشاره دارد؛ به گونه‌ای که این مداخله ممکن است حتی فراتر از چهارچوب‌های معمول قانونی یا انتظارات شهروندان نیز گسترش یابد. در معنای نخست، امنیت‌گرایی ناظر به پاسخ‌گویی حداکثری به مطالبات جمعی در حوزه امنیت است؛ همان‌گونه که مفاهیمی چون عدالت‌گرایی یا آزادی‌گرایی نیز بر اولویت‌بخشی به یک ارزش بنیادین دلالت دارند، بدون آن که معنای آن‌ها به‌طور دقیق و محدود قابل تقلیل باشد (عالی‌پور، ۱۳۸۷، ۱۸۴). بر این اساس، برخی دیدگاه‌ها عدالت را محور و تکیه‌گاه اصلی امنیت دانسته و معتقدند فقدان عدالت می‌تواند به تزلزل و بی‌ثباتی امنیت منجر شود. از این منظر، امنیت‌گرایی در صورتی که در جهت تأمین امنیت عمومی و حمایت از شهروندان باشد، امری مطلوب تلقی می‌شود و در واقع یکی از انتظارات اساسی جامعه از دولت محسوب می‌گردد. در همین راستا، روسو نیز با تأکید بر ماهیت قراردادی رابطه دولت و شهروندان بیان می‌دارد که بقای دولت و امنیت اجتماعی در گرو ایفای تعهدات متقابل است؛ به گونه‌ای که امنیت، نه صرفاً یک وضعیت طبیعی، بلکه نتیجه یک توافق اجتماعی مشروط است (روسو، ۱۴۰۳، ۱۷۷).

جرم‌انگاری: جرم‌انگاری فرایندی حقوقی و هنجارساز است که طی آن قانون‌گذار، با اتکاء به ارزش‌ها و هنجارهای بنیادین جامعه و بر اساس مبانی نظری پذیرفته‌شده در نظام حقوقی خود، فعل یا ترک فعلی را ممنوع اعلام کرده و برای آن ضمانت اجرای کیفری مقرر می‌کند؛ بنابراین، جرم‌انگاری امری پسینی است که ریشه در مبانی میان‌رشته‌ای همچون فلسفه حقوق، فلسفه سیاسی و علوم اجتماعی دارد و در پرتو این دانش‌ها شکل می‌گیرد (آقابابایی، ۱۳۸۴، ۱۲).

امنیت: امنیت در معنای لغوی به وضعیت فقدان تهدید، حمله یا اضطراب و همچنین آمادگی برای مقابله با خطرات احتمالی اطلاق می‌شود. در کاربرد حقوقی و سیاسی، این مفهوم در سطوح مختلف فردی، اجتماعی، ملی و بین‌المللی به کار می‌رود. امنیت فردی ناظر بر احساس آرامش و نبود تهدید

نسبت به اشخاص است، امنیت اجتماعی به وضعیت کلی جامعه بدون تهدیدهای فراگیر اشاره دارد. امنیت ملی به مصونیت یک کشور از تهدیدهای داخلی و خارجی مربوط می‌شود و امنیت بین‌المللی نیز بیانگر وضعیت فقدان تهدید از سوی قدرت‌های خارجی در عرصه جهانی است (آشوری، ۱۴۰۵، ۳۹). امنیت ملی: امنیت ملی مفهومی کلان در حقوق و علوم سیاسی است که به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک کشور از تهدیدهای بالفعل و بالقوه خارجی، نفوذ سیاسی و اقتصادی بیگانگان مصون بوده و بتواند در مسیر توسعه اقتصادی، اجتماعی و انسانی حرکت کند. در این وضعیت، کشور قادر است ضمن حفظ استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی خود، رفاه عمومی را بدون دخالت قدرت‌های خارجی تأمین نماید (مهری، ۱۳۸۱).

تبانی: تبانی در لغت، واژه‌ای عربی و مصدر باب تفاعل از ریشه ثلاثی مجرد «بنی» است که در اصل بر معنای مشارکت و همکاری میان دو یا چند نفر دلالت دارد؛ معنایی که از ویژگی‌های اصلی این باب نیز محسوب می‌شود (فراهیدی، ۱۳۶۷، ۳۸۲). در زبان فارسی، تبانی با مفاهیمی همچون مقدمه‌چینی، زمینه‌سازی، آماده‌سازی و فراهم آوردن شرایط برای انجام یک امر نیز بیان شده است (عمید، ۱۳۹۳، ۳۵۲). در ادبیات فقهی، تبانی به صورت «قرار پنهانی دو نفر علیه شخص ثالث» تعریف شده است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۵، ۳۲۷).

با وجود این، در قوانین کیفری ایران تعریف صریحی از تبانی ارائه نشده و مفهوم آن بیشتر از طریق رویه تقنینی و دکترین حقوقی تبیین گردیده است. در این چهارچوب، برخی حقوقدانان تبانی را «توافق دو یا چند نفر بر ارتکاب جرم» دانسته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۴، ۲۴۶) و برخی دیگر آن را توافقی میان اشخاص برای ارتکاب جرم علیه امنیت، اموال، اعراض و نفوس افراد تعریف کرده‌اند (سمیعی زنوز، ۱۳۹۱، ۲۶). در حقوق کیفری فرانسه نیز مفهوم مشابهی تحت عنوان «دسیسه» مطرح شده است که به تصمیم قطعی چند شخص برای ارتکاب یک اقدام مجرمانه اشاره دارد، مشروط بر آن که این تصمیم از طریق یک یا چند عمل مادی خارجی متجلی شده باشد. این رویکرد نشان‌دهنده تأکید نظام حقوقی فرانسه بر جنبه عینی و خارجی توافق مجرمانه در کنار عنصر ذهنی آن است.

۲- واکاوی مبانی جرم‌انگاری تبانی در نظام‌های حقوقی

در حقوق کیفری، اصل بر این است که صرف اندیشه مجرمانه تا زمانی که به مرحله بروز خارجی نرسیده باشد، قابل مجازات نیست.^۱ همچنین، اعمال مقدماتی که ارتباط مستقیم با تحقق جرم ندارند و صرفاً زمینه‌ساز وقوع آن محسوب می‌شوند، اصولاً از شمول ضمانت اجرای کیفری خارج‌اند. افزون بر این، شروع به جرم و نیز انصراف ارادی از ارتکاب جرم نیز در حدود مقرر قانونی فاقد وصف مجرمانه تلقی می‌گردند.^۲ با این وجود، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که چگونه تبانی برای ارتکاب جرم که در ظاهر ناظر بر توافق و قصد مجرمانه است، می‌تواند جرم‌انگاری شود و آیا این امر با اصول کلی حقوق کیفری و به‌ویژه ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعارض دارد یا خیر؟

در تحلیل این مسئله باید توجه داشت که تبانی صرفاً در سطح ذهنی و در حد قصد مجرمانه باقی نمی‌ماند، بلکه دارای تجلی خارجی و عینی است. به عبارت دیگر، تبانی زمانی محقق می‌شود که اراده‌های مجرمانه چند نفر در قالب توافق و هماهنگی برای ارتکاب جرم به هم پیوند می‌خورد و این اتحاد اراده‌ها در عالم خارج ظهور می‌یابد؛ بنابراین، تبانی واجد دو بعد اساسی است: بعد ذهنی که همان قصد ارتکاب جرم است و بعد عینی که در قالب توافق و هم‌افزایی اراده‌ها نمود پیدا می‌کند. از این منظر، تبانی را نمی‌توان صرفاً اندیشه مجرمانه دانست، بلکه باید آن را رفتاری خارجی و قابل مشاهده تلقی کرد که از مرحله فکر فراتر رفته است.

از سوی دیگر، حتی اگر تبانی در زمره اعمال مقدماتی تلقی شود، جرم‌انگاری آن با قاعده عدم مجازات مقدمات جرم در ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تعارض ذاتی ندارد. زیرا نظام حقوق کیفری در مواردی خاص، به دلیل اهمیت و خطرآفرینی برخی رفتارهای مقدماتی، آن‌ها را مستقلاً جرم‌انگاری می‌کند. در این چهارچوب، تبانی در دسته جرائم مانع قرار می‌گیرد؛ جرائمی که هدف از جرم‌انگاری آن‌ها نه واکنش به نتیجه مجرمانه، بلکه پیشگیری از وقوع جرائم شدیدتر در آینده

۱- ماده ۱۲۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

۲- ماده ۱۲۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

است (الهام؛ سمیعی، ۱۳۹۲، ۲۸) و (نجفی ابرندآبادی و همکاران، ۱۳۸۳، ۲۳)؛ بنابراین، قانون‌گذار با توسعه قلمرو مداخله کیفری، از مرحله تحقق جرم به مرحله خطر پیشینی حرکت کرده است. از منظر جرم‌شناختی نیز، فلسفه جرم‌انگاری تبانی در افزایش ظرفیت بزهکاری ناشی از اجتماع اراده‌ها نهفته است. توافق میان چند نفر صرفاً جمع ساده اراده‌ها نیست، بلکه به ایجاد نیرویی مضاعف، منسجم و سازمان‌یافته منجر می‌شود که احتمال تحقق جرم را به‌طور قابل توجهی افزایش می‌دهد. این هم‌افزایی مجرمانه می‌تواند بستر ارتکاب جرائم سازمان‌یافته و خطرناک همچون تروریسم، قاچاق مواد مخدر و جرائم علیه امنیت را فراهم سازد (سالاری، ۱۳۸۷، ۲۶۵). به همین دلیل، برخی حقوق‌دانان معتقدند که تعامل افراد در یک جمع ممکن است موجب فعال شدن گرایش‌های مجرمانه‌ای شود که در حالت انفرادی قابلیت بروز ندارند (گلدوزیان، ۱۳۹۷، ۴۲۱).

از حیث سیاست جنایی نیز، جرم‌انگاری تبانی در راستای رویکرد پیشگیرانه قابل تحلیل است. تبانی به‌عنوان یکی از جرائم مانع، ابزار مداخله زود هنگام حقوق کیفری برای جلوگیری از تحقق جرائم شدیدتر محسوب می‌شود. این دسته از جرائم، خود زمینه‌ساز و مقدمه ارتکاب جرائم خطرناک‌تر هستند و از این رو، قانون‌گذار با جرم‌انگاری آن‌ها درصدد کنترل پیشینی بزهکاری برآمده است (سالاری، ۱۳۸۷، ۲۶۵). بر این اساس، اگرچه تبانی ممکن است فاقد نتیجه زیان‌بار مستقیم باشد، اما به دلیل آشکار شدن تصمیم جمعی مجرمانه و ایجاد وضعیت خطرناک در جامعه، قابل جرم‌انگاری است. این امر نه تنها موجب افزایش احتمال بزه‌دیدگی می‌شود، بلکه احساس ناامنی اجتماعی را نیز تشدید می‌کند (سمیعی زنوز، ۱۳۹۱، ۳۷). در نتیجه، مداخله کیفری در این مرحله، به‌عنوان ابزاری برای مهار خطر پیش از تحقق جرم نهایی توجیه می‌شود.

۳- در جست‌وجوی مبنا؛ بازخوانی ریشه‌های قانونی جرم‌انگاری تبانی

در ادبیات حقوق کیفری، توجیه اولیه جرم تبانی بر این مبنا استوار است که این جرم در زمره «جرائم مانع» قرار می‌گیرد؛ یعنی هدف قانون‌گذار از جرم‌انگاری آن، نه واکنش به یک نتیجه زیان‌بار بالفعل،

بلکه پیشگیری از تحقق جرم اصلی در مراحل ابتدایی و پیش از ورود به مرحله اجرا است. در واقع، تبانی زمانی قابل تصور است که هنوز جرم اصلی واقع نشده، اما توافقی میان دو یا چند نفر برای ارتکاب آن شکل گرفته است. همین توافق، از دید سیاست کیفری، به عنوان یک وضعیت خطرناک تلقی می‌شود؛ زیرا می‌تواند به سرعت به اقدام عملی و در نهایت به وقوع جرم شدیدتر منتهی شود؛ بنابراین، جرم‌انگاری تبانی در حقیقت نوعی کنترل کیفری بر «مرحله تصمیم‌سازی مجرمانه» است که هدف آن جلوگیری از تبدیل اندیشه مجرمانه به رفتار عینی است.

در مبانی دکرین حقوق کیفری در این زمینه، معمولاً دو محور اصلی مورد تأکید قرار می‌گیرد: نخست، «مداخله زودرس کیفری» است که به نظام عدالت کیفری اجازه می‌دهد پیش از تحقق جرم اصلی و حتی پیش از شروع به اجرا، در مرحله توافق و هم‌فکری مجرمانه وارد عمل شود. این رویکرد بر این فرض استوار است که برخی توافقات به قدری خطرناک هستند که نباید اجازه داد به مرحله اجرا برسند. محور دوم، «خطر اجتماعی ناشی از رفتار جمعی مجرمانه» است؛ زیرا زمانی که چند فرد با هم متحد شده و اراده مجرمانه مشترک شکل می‌دهند، احتمال وقوع جرم به طور قابل توجهی افزایش یافته و احساس ناامنی در جامعه نیز تشدید می‌شود. به همین دلیل، تبانی نه صرفاً یک توافق ساده، بلکه یک وضعیت اجتماعی پرخطر تلقی می‌شود که خود به تنهایی می‌تواند موجه‌کننده مداخله کیفری باشد.

در حقوق ایران، از حیث طبقه‌بندی حقوقی، جرم تبانی علیه امنیت غالباً در زمره جرائم آنی قرار می‌گیرد؛ زیرا به محض تحقق توافق میان مرتکبان، جرم کامل شده تلقی می‌شود و نیازی به استمرار رفتار یا تحقق نتیجه خارجی وجود ندارد. در این دیدگاه، لحظه توافق، لحظه تحقق جرم است و پس از آن، جرم از حیث حقوقی واقع شده محسوب می‌شود. بر همین اساس، محل وقوع جرم نیز همان محل شکل‌گیری توافق است و صلاحیت محاکم بر همان مبنا تعیین می‌گردد. همچنین، مبدا مرور زمان از لحظه تحقق توافق آغاز می‌شود، زیرا جرم در همان لحظه به طور کامل محقق شده است.

از حیث عنصر روانی نیز تبانی در حقوق ایران یک جرم کاملاً عمدی است؛ زیرا اساس آن بر توافق ارادی و آگاهانه میان دو یا چند شخص برای ارتکاب جرم استوار است. بدون وجود قصد مشترک

مجرمانه، اساساً مفهوم تبانی تحقق پیدا نمی‌کند؛ بنابراین، عنصر روانی در این جرم نقش بنیادین دارد و اثبات آن در فرایند دادرسی اهمیت اساسی دارد. در کنار این، از منظر ماهوی نیز تبانی در شمار «جرائم مانع» قرار می‌گیرد؛ یعنی رفتارهایی که هرچند در لحظه وقوع ممکن است ضرر مستقیم و فوری ایجاد نکنند، اما به‌عنوان مقدمه‌ای برای جرائم شدیدتر، قانون‌گذار آن‌ها را به‌طور مستقل جرم‌انگاری کرده است. در همین چهارچوب، بر اساس منابع دکتربین، تبانی به‌عنوان ابزاری برای پیشگیری از جرائم سنگین‌تر شناخته می‌شود و توافق مجرمانه به‌عنوان عاملی که احتمال وقوع جرم را افزایش داده و احساس ناامنی اجتماعی را تشدید می‌کند، مورد توجه قرار می‌گیرد (سمیعی زنوزی، ۱۳۹۱).

در حقوق کیفری فرانسه، رویکرد متفاوتی نسبت به تبانی اتخاذ شده است. در این نظام حقوقی، تبانی صرفاً در ارتباط با برخی جرائم شدید مطرح می‌شود و به‌عنوان مرحله‌ای نزدیک به شروع به جرم شناخته می‌گردد، اما تحقق آن منوط به وجود عناصر مادی و بیرونی است. به عبارت دیگر، صرف توافق ذهنی برای تحقق تبانی کافی نیست و باید اقدامات عینی در جهت آماده‌سازی جرم نیز وجود داشته باشد (موسوی و همکاران، ۱۳۹۸، ۸۴). این اقدامات می‌تواند شامل تهیه ابزار، فراهم‌سازی مقدمات یا هر رفتار خارجی دیگری باشد که نشان‌دهنده عبور از مرحله صرف اندیشه و ورود به مرحله اقدام عملی است؛ بنابراین، در حقوق فرانسه، تأکید اصلی بر عنصر مادی جرم است و بدون بروز خارجی رفتار مجرمانه، مسئولیت کیفری قابل تصور نیست.

بررسی تحولات تاریخی حقوق فرانسه نیز نشان می‌دهد که جرم تبانی در این کشور همواره دارای وضعیت ثابت و یکسانی نبوده است. در واقع، سیاست کیفری فرانسه در طول زمان میان دو هدف در نوسان بوده است: از یک سو گسترش دامنه جرم‌انگاری تبانی برای مقابله با تهدیدات جدی و از سوی دیگر تلاش برای جلوگیری از مجازات صرف اندیشه مجرمانه. این دوگانگی به‌خوبی از مقایسه قوانین قدیم و جدید فرانسه قابل مشاهده است. در گذشته، پیش از سال ۱۸۳۲ میلادی، تبانی به‌عنوان عنوان مستقل در حقوق کیفری فرانسه وجود نداشت و تنها در قالب «شروع به جرم» نسبت به بزه سوء قصد قابل مجازات بود (مجیدی، ۱۳۸۶، ۳۳۴). در آن دوره، تمرکز اصلی قانون‌گذار بر جرائم

علیه نهادهای سیاسی و تمامیت ارضی بود و تبانی صرفاً در حد مقدمه‌ای برای سوء قصد تلقی می‌شد. تحول مهم در سال ۱۸۳۲ میلادی و با تصویب بند چهارم ماده ۸۹ قانون جزای فرانسه رخ داد؛ جایی که برای نخستین بار جرم تبانی به عنوان یک عنوان مجرمانه مستقل وارد نظام حقوقی این کشور شد. این تحول نشان‌دهنده تغییر رویکرد قانون‌گذار فرانسوی نسبت به مراحل مقدماتی جرم بود و بیانگر پذیرش این ایده بود که برخی توافق‌های مجرمانه، حتی پیش از شروع اجرا، می‌توانند به‌طور مستقل مستحق مجازات باشند. با این حال، حتی پس از این تحول نیز سیاست کلی حقوق فرانسه همچنان بر این اصل باقی ماند که صرف توافق ذهنی برای تحقق جرم کافی نیست و باید با اقدامات مادی و قابل مشاهده همراه شود. در نتیجه، مقایسه حقوق ایران و فرانسه نشان می‌دهد که حقوق ایران با تمرکز بر خطر توافق مجرمانه، دامنه جرم‌انگاری گسترده‌تری دارد، در حالی که حقوق فرانسه با تأکید بر عنصر مادی، رویکرد محدودتر و عینی‌محورتر اتخاذ کرده است.

ماده ۷۸ قانون جزای پیشین فرانسه مصوب ۱۹۶۰ میلادی که تا پیش از تصویب قانون جزای جدید لازم‌الاجرا بوده است، رویکردی مرحله‌بندی‌شده نسبت به جرم تبانی ارائه می‌کرد. بر اساس این ماده، «انجام تبانی با هدف ارتکاب جنایات مذکور در ماده ۸۶، در صورتی که متعاقب آن عملی در جهت فراهم آوردن یا شروع اجرای جرم انجام شده باشد»، مستوجب مجازات حبس جنایی موقت از ده سال تا بیست سال بود. در مقابل، اگر پس از تحقق تبانی هیچ‌گونه اقدام عملی در راستای آماده‌سازی یا شروع اجرای جرم صورت نمی‌گرفت، مرتکبان به حبس موقت پنج سال تا ده سال محکوم می‌شدند. همچنین، در این ماده تصریح شده بود که تبانی زمانی محقق می‌شود که میان دو یا چند نفر، قصد اقدام مجرمانه به صورت هماهنگ و قطعی شکل گرفته باشد. علاوه بر این، اگر صرفاً پیشنهاد تبانی مطرح می‌شد اما مورد پذیرش قرار نمی‌گرفت، شخص پیشنهاددهنده به مجازات حبس جنحه‌ای از یک سال تا ده سال، جزای نقدی از یک هزار تا هشتاد هزار فرانک و احتمالاً محرومیت از حقوق مقرر در ماده ۴۲ محکوم می‌شد. این ساختار نشان می‌دهد که قانون‌گذار در آن دوره، میان مراحل مختلف شکل‌گیری تبانی تفکیک دقیقی قائل شده بود.

در همین چهارچوب، ماده ۷۸ با ارائه یک نظام سه مرحله‌ای، تبانی را به «پیشنهاد تبانی»، «توافق بدون اقدام مقدماتی» و «توافق همراه با اقدامات مقدماتی برای اجرای جرم» تقسیم می‌کرد. این تفکیک باعث می‌شد شدت مجازات بر اساس میزان پیشرفت توافق مجرمانه و نزدیک شدن آن به مرحله اجرا تعیین شود. به این ترتیب، هرچه تبانی از مرحله ذهنی به سمت اقدامات عینی و اجرایی حرکت می‌کرد، واکنش کیفری شدیدتر می‌گردید. این ساختار مرحله‌ای نشان‌دهنده سیاست کیفری سنتی فرانسه در آن دوره بود که تلاش می‌کرد میان خطر بالقوه توافق و خطر بالفعل ناشی از اقدامات اجرایی تمایز قائل شود و شدت مجازات را متناسب با میزان تحقق خطر تنظیم کند.

با تصویب قانون جزای جدید فرانسه در سال ۱۹۹۴ میلادی، این ساختار مرحله‌بندی شده کنار گذاشته شد و رویکردی متفاوت در پیش گرفته شد. ماده ۴۱۲-۲ قانون مذکور مقرر می‌دارد که تبانی عبارت است از «تصمیم قطعی میان چند نفر برای ارتکاب یک سوء قصد، مشروط بر این که این تصمیم از طریق یک یا چند عمل مادی به صورت بیرونی تجلی یافته باشد». بر اساس این تعریف، صرف توافق ذهنی یا تصمیم مشترک برای تحقق جرم کافی نیست، بلکه باید این توافق در قالب رفتارهای مادی و قابل مشاهده ظهور پیدا کند. مجازات این جرم نیز تا ده سال حبس جنایی و تا یکصد و پنجاه هزار یورو جزای نقدی تعیین شده است و در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت باشد، مجازات می‌تواند تا بیست سال حبس و سیصد هزار یورو جزای نقدی افزایش یابد.

تحلیل حقوقی این تحول نشان می‌دهد که قانون‌گذار فرانسه در قانون جدید، برخلاف نظام پیشین، از تفکیک مراحل مختلف تبانی فاصله گرفته و به جای آن بر شرط «ظهور بیرونی اراده مجرمانه از طریق اعمال مادی» تأکید کرده است. به عبارت دیگر، دیگر میان پیشنهاد تبانی، توافق صرف و توافق همراه با اقدامات مقدماتی تفکیکی از حیث ساختار جرم‌انگاری وجود ندارد، بلکه معیار اصلی تحقق جرم، وجود تصمیم قطعی همراه با بروز خارجی و عینی آن است. این تغییر رویکرد، بیانگر گذار از نظام چندمرحله‌ای به نظامی مبتنی بر عینیت‌گرایی کیفری است.

حقوقدانان فرانسوی این تحول را در راستای سیاست کیفری جدید قانون‌گذار تحلیل کرده‌اند که

هدف آن پرهیز از مجازات صرف اندیشه مجرمانه است. از این منظر، حذف مراحل مختلف تبانی و تأکید بر ضرورت اعمال مادی، به معنای محدودسازی مداخله کیفری به رفتارهای قابل مشاهده و قابل اثبات است. به بیان دیگر، قانون جزای جدید فرانسه تلاش کرده است میان ضرورت پیشگیری از جرائم سنگین و حفظ آزادی‌های فردی تعادل برقرار کند و تنها در مواردی که اراده مجرمانه از سطح ذهنی عبور کرده و در عالم خارج نمود پیدا کرده است، مسئولیت کیفری را محقق بداند. در نتیجه، نظام جدید فرانسه در مقایسه با بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله حقوق ایران، در زمینه تحقق تبانی علیه امنیت عمومی، رویکردی خاص و محدودکننده اتخاذ کرده و تحقق این جرم را منوط به وجود اقدامات مقدماتی بیرونی و ملموس کرده است.

با توجه به وضعیت ممتاز بزه تبانی در حقوق کیفری فرانسه، باید توجه داشت که این جایگاه ویژه تا حد زیادی ناشی از سیاست کیفری این نظام در پرهیز از مجازات صرف «اندیشه مجرمانه» است. به همین دلیل، اگرچه در نگاه نخست ممکن است تصور شود که محدودسازی جرم به توافق مجرمانه باعث کاهش دامنه جرم‌انگاری می‌شود، اما در عمل قانون‌گذار فرانسوی با تغییر در تعریف موضوع تبانی، دامنه آن را به شیوه‌ای دیگر توسعه داده است. توضیح آن که در ماده‌های ۸۷ قانون جزای سابق فرانسه و همچنین در ماده ۴۱۲-۲ قانون جزای جدید، موضوع تبانی عمدتاً محدود به اعمالی بوده است که تحت عنوان «سوءقصد» قرار می‌گیرند. با این حال، با تغییر مفهوم سوءقصد در نظام حقوقی فرانسه، قلمرو تبانی نیز به‌طور طبیعی گسترش یافته است؛ زیرا هرچه دامنه جرم پایه توسعه یابد، تبعاً دامنه تبانی مرتبط با آن نیز وسیع‌تر می‌شود.

در این راستا، ماده ۸۶ قانون جزای سابق فرانسه، سوءقصد را رفتاری تعریف می‌کرد که هدف آن یا براندازی یا تغییر نظام قانونی کشور، یا تحریک مردم و ساکنان به مسلح شدن علیه حاکمیت دولت یا علیه یکدیگر و یا وارد آوردن لطمه به تمامیت ارضی کشور باشد. بر اساس همین ماده، سوءقصد زمانی محقق می‌شد که اجرای آن آغاز شده یا حداقل شروع به اجرا صورت گرفته باشد و همین امر موجب می‌شد تبانی نیز در چهارچوب جرائم بسیار محدود و مشخصی معنا پیدا کند (مجیدی، ۱۳۸۶، ۳۳۵). اما در قانون

جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۴ میلادی، این مفهوم دچار تحول اساسی شد و در ماده ۴۱۲-۱، سوء قصد از حالت محدود پیشین خارج شده و به هر عمل خشونت آمیزی اطلاق گردید که نهادهای جمهوری را در معرض خطر قرار دهد یا به تمامیت سرزمینی کشور آسیب برساند (مجیدی، ۱۳۸۶، ۳۳۵). در همین ماده تصریح شده است که ارتکاب یک یا چند عمل خشونت آمیز که چنین آثاری داشته باشد، در حکم سوء قصد محسوب می شود (مجیدی، ۱۳۸۶، ۳۳۶). این تغییر مفهومی باعث شد دامنه رفتارهای مشمول جرم پایه گسترش یابد و در نتیجه، حوزه شمول تبانی نیز به تبع آن توسعه پیدا کند.

در حقوق ایران، قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ در چهار ماده اصلی به جرم تبانی اشاره کرده است: ماده ۵۴۹ در خصوص تبانی مراقب برای فرار زندانی، ماده ۶۱۰ در خصوص تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور، ماده ۶۱۱ در خصوص تبانی برای ارتکاب جرائم علیه اموال، اعراض و نفوس مردم و ماده ۶۷۲ در خصوص تبانی مدیر تصفیه با تاجر یا طلبکاران ورشکسته. علاوه بر این، در برخی قوانین خاص نیز تبانی به عنوان رفتار مجرمانه مستقل پیش بینی شده است. در این میان، ماده ۶۱۰ صرف توافق میان مرتکبان را برای تحقق جرم کافی می داند، در حالی که در ماده ۶۱۱ علاوه بر توافق، تحقق برخی اعمال مقدماتی بیرونی نیز برای احراز جرم ضروری شناخته شده است. این تفکیک نشان می دهد که قانون گذار ایرانی میان جرائم امنیتی و غیرامنیتی از حیث عنصر مادی تبانی تفاوت قائل شده است.

در مقابل، حقوق کیفری فرانسه چنین تفکیکی را به رسمیت نمی شناسد و در قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۴ میلادی، حتی در جرائم مرتبط با امنیت کشور نیز تحقق تبانی را منوط به بروز اعمال مادی و بیرونی می داند. به بیان دیگر، در نظام حقوقی فرانسه صرف توافق ذهنی میان افراد برای ارتکاب جرم کافی نیست و باید این توافق در قالب رفتارهای عینی و ملموس ظهور پیدا کند تا بتوان از تحقق تبانی سخن گفت. بر این اساس، تفاوت اساسی سیاست کیفری ایران و فرانسه در این است که در حقوق ایران، به ویژه در ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵، جرم تبانی به محض تحقق توافق شکل می گیرد و اقدامات خارجی در صورت وجود، بیشتر نقش

اثباتی دارند، درحالی که در حقوق فرانسه، تا زمانی که قصد و تصمیم مشترک به رفتارهای مادی و قابل مشاهده تبدیل نشود، اساساً جرم تبانی محقق نمی‌گردد.

بر همین مبنا، در حقوق کیفری فرانسه برای تحقق تبانی، وجود اعمال مادی مانند انبار کردن سلاح، فراهم کردن تجهیزات یا انجام مقدمات عملی ارتکاب جرم ضروری تلقی می‌شود. این اقدامات نشان‌دهنده عبور از مرحله صرف توافق و ورود به مرحله عملیاتی هستند. همچنین، در رویه برخی شعب دیوان عالی فرانسه، اقداماتی مانند تحریک مردم به جنگ داخلی یا تشویق به مسلح شدن علیه یکدیگر نیز در صورتی که با رفتارهای عینی همراه باشند، از مصادیق مسلم تبانی شناخته شده‌اند. این رویکرد نشان می‌دهد که نظام قضایی فرانسه نیز در تفسیر تبانی، بر عنصر عینی و ملموس بودن رفتار مجرمانه تأکید ویژه دارد و صرف قصد یا توافق ذهنی را برای تحقق مسئولیت کیفری کافی نمی‌داند.

۴- از اراده تا مسئولیت؛ واکاوی رکن روانی

از آن جا که در حقوق کیفری اصل بر عمدی بودن جرائم است و غیرعمدی بودن جرم نیازمند تصریح قانونی می‌باشد، جرم تبانی نیز باید در شمار جرائم عمدی طبقه‌بندی شود. با این حال، ماهیت خاص این جرم موجب شده است که تفکیک میان عنصر مادی و عنصر روانی آن به‌سادگی امکان‌پذیر نباشد؛ زیرا در جرم تبانی، رکن مادی^۳ و رکن روانی^۴ به‌طور هم‌زمان و در یک لحظه شکل می‌گیرند و تحقق می‌یابند، به‌گونه‌ای که این دو عنصر در عمل ملازمه نزدیک و غیرقابل انفکاک دارند (مجیدی، ۱۳۸۶، ۹۸).

از این رو، تبانی جرمی است که در آن فرایند شکل‌گیری اراده مجرمانه و تحقق رفتار مادی، هم‌زمان و در بستر یک واقعه واحد اتفاق می‌افتد و همین امر تفکیک تحلیلی ارکان آن را دشوار می‌سازد. برای تحقق جرم تبانی در حقوق ایران، لازم است که تبانی‌کنندگان با اراده آزاد و آگاهانه وارد مرحله

۳- توافق و اجتماع اراده‌ها

۴- قصد مجرمانه

مذاکره شده و در نهایت به توافق مجرمانه دست یابند؛ بنابراین، صرف ارتباط یا تعامل میان افراد برای تحقق تبانی کافی نیست، بلکه باید این ارتباط به مرحله توافق ارادی بر ارتکاب جرم برسد.

در این چهارچوب، عنصر روانی جرم تبانی دارای دو بخش است: نخست «سوءنیت عام» که همان قصد و اراده انجام توافق و اجتماع مجرمانه است و دوم «سوءنیت خاص» که عبارت از قصد عملی کردن مفاد توافق و حرکت به سوی ارتکاب جرم مورد نظر می‌باشد. این معنا در ماده‌های ۶۱۰ و ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ نیز منعکس شده است، آن جا که قانون‌گذار از عبارات «اجتماع و تبانی نمایند که جرائمی... مرتکب شوند» و «اجتماع و تبانی نمایند... که اقدام نمایند» استفاده کرده است. این عبارات نشان می‌دهد که صرف توافق ذهنی بدون قصد ارتکاب جرم هدف، برای تحقق تبانی کافی نیست و باید اراده مشترک به سوی تحقق جرم معین جهت‌گیری داشته باشد. بر این اساس، حتی در مواردی که جرائم اصلی از نوع جرائم مادی صرف باشند و عنصر روانی آن‌ها مفروض تلقی شود، جرم تبانی همچنان نیازمند وجود عنصر روانی مستقل است. یعنی هر دو طرف تبانی باید دارای قصد آگاهانه برای تحقق توافق مجرمانه باشند و صرف انجام رفتار ظاهری یا همکاری غیر آگاهانه نمی‌تواند موجب تحقق این جرم شود. از این رو، عنصر روانی در تبانی نه تنها حذف‌پذیر نیست، بلکه نقش اساسی در تفکیک این جرم از رفتارهای مشابه یا غیر مجرمانه دارد.

در حقوق کیفری فرانسه نیز اگرچه ساختار مفهومی تبانی متفاوت است، اما عنصر روانی همچنان جایگاه مهمی دارد. در این نظام حقوقی، سوءنیت خاص معمولاً در قالب قصد براندازی یا تغییر نظام قانون اساسی یا هدف قرار دادن امنیت عمومی کشور تعریف می‌شود. به عبارت دیگر، صرف توافق میان افراد کافی نیست، بلکه باید هدف مشترک آنان دارای ماهیت مجرمانه مشخص و معطوف به اختلال در امنیت یا ساختارهای اساسی کشور باشد. باین حال، در حقوق فرانسه نیز اگر یکی از طرفین در زمان توافق از ماهیت واقعی آن جاهل باشد و تصور کند که این اجتماع در راستای اهداف مشروع یا خیرخواهانه است، اما بعداً مشخص شود که قصد واقعی گروه ارتکاب اعمال علیه امنیت کشور بوده است، در این صورت رکن روانی نسبت به آن شخص محقق نخواهد شد. این امر نشان می‌دهد

که در هر دو نظام حقوقی، آگاهی و قصد مجرمانه نقش تعیین کننده‌ای در تحقق تبانی دارد، هرچند نحوه تبیین و حدود آن در حقوق ایران و فرانسه تفاوت‌هایی دارد.

۵- گونه‌شناسی تبانی کیفری در نظام کیفری ایران و فرانسه

اصولاً در تحلیل نظری، تبانی به عنوان یک توافق مجرمانه میان دو یا چند نفر می‌تواند نسبت به هر جرمی قابل تصور باشد و از این جهت اختصاص ذاتی به جرم یا دسته خاصی از جرائم ندارد (آقابابایی، ۱۳۸۴، ۱۴۷). به بیان دیگر، از منظر مفهومی، هرگاه چند شخص با اراده مشترک در جهت ارتکاب یک رفتار مجرمانه به توافق برسند، امکان تصور تبانی وجود دارد. باین حال، در حقوق ایران این اصل کلی به طور کامل پذیرفته نشده و قانون‌گذار جرم تبانی را صرفاً در موارد مشخص و منصوص قانونی جرم‌انگاری کرده است؛ بنابراین، برخلاف تحلیل نظری که دامنه تبانی را عام می‌داند، در نظام تقنینی ایران اصل بر «حصری بودن» موارد تبانی است. در این چهارچوب، علاوه بر موارد خاص، دو ماده مهم در قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ به تبانی اختصاص یافته‌اند: ماده ۶۱۰ که ناظر بر تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور است و ماده ۶۱۱ که به تبانی برای ارتکاب سایر جرائم می‌پردازد.

در تفکیک میان این دو ماده، تفاوت مهمی در ساختار تحقق جرم مشاهده می‌شود. در ماده ۶۱۰، صرف تحقق توافق میان دو یا چند نفر برای ارتکاب جرائم علیه امنیت یا فراهم کردن وسایل ارتکاب آن، برای تحقق جرم کافی دانسته شده است؛ به گونه‌ای که قانون‌گذار در این ماده، مرحله توافق را به تنهایی واجد وصف کیفری می‌داند. در مقابل، در ماده ۶۱۱ علاوه بر توافق، تحقق جرم منوط به وجود شرایطی فراتر از صرف هم‌فکری است؛ از جمله تهیه وسایل و همچنین عدم انصراف ارادی از ارتکاب جرم. به این ترتیب، قانون‌گذار در ماده ۶۱۱ رویکردی محدودتر اتخاذ کرده و برای تحقق تبانی، نوعی ورود به مرحله اجرایی یا مقدماتی را نیز ضروری دانسته است. از سوی دیگر، در تحلیل برخی حقوق‌دانان، ماده ۶۱۰ بیشتر ناظر بر تهدید علیه ساختار و اساس حکومت و امنیت ملی است،

درحالی که ماده ۶۱۱ بیشتر ناظر بر تهدید علیه اشخاص و اعضای جامعه بوده و از شدت و حساسیت کمتری برخوردار است (الهام و سمیعی، ۱۳۹۲، ۴۰).

بر اساس متن ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که مرتکب جرائم ضدامنیت داخلی یا خارجی کشور شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم کنند، در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد، به دو سال تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد. در این ماده، قانون‌گذار به صراحت صرف توافق یا قصد مشترک را جرم‌انگاری کرده و آن را برای تحقق مسئولیت کیفری کافی دانسته است. برخی حقوقدانان نیز معتقدند که منظور از جرائم ضدامنیت داخلی یا خارجی، کلیه جرائم مندرج در فصل اول کتاب پنجم تعزیرات است. باین حال، در متن ماده، عبارت «یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند» نیز آمده است که از نظر برخی حقوقدانان، از حیث منطقی زائد به نظر می‌رسد؛ زیرا اگر صرف توافق برای ارتکاب جرم، جرم مستقل محسوب شود، فراهم کردن وسایل ارتکاب به طریق اولی باید مشمول همان حکم باشد (پوربافرانی، ۱۴۰۴، ۱۱۷). در مقابل، برخی دیگر این تفکیک را پذیرفته و معتقدند شق اول ماده ناظر بر توافق برای ارتکاب جرم علیه امنیت است، درحالی که شق دوم ناظر بر توافق برای فراهم‌سازی وسایل ارتکاب جرم توسط دیگری است، نه الزاماً ارتکاب مستقیم جرم (حیب‌زاده و مؤمنی، ۱۳۸۹، ۱۴۳).

در حقوق کیفری فرانسه، برخلاف حقوق کیفری ایران، عنوان مجرمانه مستقلی تحت عنوان تبانی برای سایر جرائم به صورت عام وجود ندارد، اما رفتارهای مشابه از طریق عناوین دیگر قابل تعقیب کیفری هستند. مهم‌ترین عنوان در این زمینه «شراکت در اجتماع تبهکاران» است که در واقع نقش تبانی عام را ایفاء می‌کند. این عنوان در حقوق فرانسه طی دهه‌های اخیر دچار تحولات مهمی شده و سیاست کلی قانون‌گذار در این زمینه، توسعه دامنه جرم‌انگاری آن بوده است. در مقررات پیشین فرانسه، دامنه این جرم محدود به جنایات علیه اموال و اشخاص یا برخی جنبه‌های شدید بود^۵، اما در

قانون جزای فرانسه مصوب ۱۹۹۴ میلادی، دامنه آن به تمامی جنایات و جنحه‌هایی که دارای حداقل ده سال حبس بودند گسترش یافت.

تحول مهم‌تر در سال ۲۰۰۱ میلادی رخ داد، زمانی که قانون‌گذار فرانسه با اصلاح ماده ۴۵۰-۱، دامنه شمول این جرم را حتی به جنحه‌هایی که دارای حداقل پنج سال حبس بودند نیز توسعه داد. بر اساس این ماده، اجتماع تبه‌کاران عبارت است از هر گروه سازمان‌یافته یا توافقی که با انجام یک یا چند عمل مادی قابل‌شناسایی، در راستای آماده‌سازی ارتکاب یک یا چند جنایت یا جنحه با مجازات معین شکل گرفته باشد. همچنین، مقرر شده است که در صورتی که جرائم مورد نظر شامل جنایات یا جنحه‌های سنگین^۶ باشند، مجازات مشارکت در اجتماع تبه‌کاران می‌تواند تا ده سال حبس و یکصد و پنجاه هزار یورو جزای نقدی باشد و در صورتی که جرائم در سطح پایین‌تر^۷ باشند، مجازات تا پنج سال حبس و هفتاد و پنج هزار یورو جزای نقدی تعیین می‌شود.

در نتیجه، مقایسه حقوق ایران و فرانسه نشان می‌دهد که در حقوق ایران، تبانی به‌صورت موردی و محدود در مواد مشخصی جرم‌انگاری شده و میان جرائم امنیتی و غیرامنیتی تفکیک ساختاری وجود دارد، درحالی‌که در حقوق فرانسه اگرچه عنوان تبانی به شکل کلاسیک محدودتر است، اما از طریق نهاد «اجتماع تبه‌کاران» دامنه جرم‌انگاری به‌صورت گسترده و پویا توسعه یافته است. به عبارت دیگر، حقوق ایران از طریق جرم‌انگاری صریح تبانی در ماده‌های مشخص و حقوق فرانسه از طریق توسعه مفهومی جرم سازمان‌یافته، به مقابله با خطر توافقی‌های مجرمانه پرداخته‌اند، هرچند ابزارها و تکنیک‌های تقنینی آن‌ها متفاوت است.

اقدام قانون‌گذار فرانسه در جرم‌انگاری «اجتماع تبه‌کاران» یا مصادیق تبانی، از جهات مختلف قابل تحلیل و تأمل است. نخست آن که این جرم، برخلاف قواعد عمومی حقوق کیفری که اصولاً مجازات را منوط به ورود مرتکب به مرحله اجرا می‌دانند، حتی در مراحل مقدماتی و پیش از تحقق

۶- با مجازات حداقل ده سال حبس

۷- با حداقل پنج سال حبس

رفتار اجرایی نیز قابل مجازات دانسته شده است. به عبارت دیگر، صرف انجام برخی اقدامات مقدماتی و حتی در مواردی صرف شکل‌گیری یک ساختار توافقی، به دلیل وجود «خطر بالقوه» برای نظم عمومی، واجد وصف کیفری تلقی شده است. پذیرش مستقل این جرم در حقوق فرانسه موجب شده است که دیوان عالی این کشور در رویه‌های متعدد خود، حتی اعمال مقدماتی غیرمستقیم و بدون نتیجه اجرایی را نیز در صورت انطباق با شرایط قانونی، قابل مجازات بداند. علاوه بر این، با توجه به تحولات تقنینی اخیر، دامنه شمول این جرم به‌طور قابل توجهی توسعه یافته و تقریباً تمامی جنایات و جنحه‌های علیه اشخاص، اموال، امنیت دولت و آسایش عمومی را که حداقل مجازات آن‌ها پنج سال حبس باشد، دربرگرفته است.

در تحقق جرم «اجتماع تبه‌کاران» در حقوق فرانسه، سه شرط اساسی مورد توجه قرار گرفته است. شرط نخست وجود «جمعیت متشکل» است؛ مفهومی که اگرچه در قانون به‌صراحت تعریف نشده، اما در دکترین و رویه قضایی به گروهی متشکل از حداقل دو نفر اطلاق می‌شود که دارای نوعی ساختار و انسجام سازمانی باشند. صرف تجمع تصادفی افراد برای تحقق این جرم کافی نیست، بلکه باید نوعی سازمان‌یافتگی ولو ابتدایی میان اعضا وجود داشته باشد. شرط دوم، وجود قصد مشترک برای آماده‌سازی ارتکاب جرم است؛ به این معنا که گروه باید با هدف ارتکاب جرائم مشخص تشکیل شده باشد و این قصد مجرمانه باید از طریق اعمال مادی و قابل مشاهده احراز گردد. در این زمینه، دیوان عالی فرانسه مصادیقی از افعال مادی را معرفی کرده است که می‌تواند نشان‌دهنده تحقق این شرط باشد؛ از جمله حمل سلاح با وسیله نقلیه، استفاده از خودروهای سرقتی، یا خرید مواد منفجره که همگی بیانگر ورود به مرحله آماده‌سازی عملی جرم هستند. شرط سوم نیز آن است که این اقدامات مقدماتی باید ناظر به ارتکاب جرائمی باشند که حداقل مجازات قانونی آن‌ها پنج سال حبس است؛ بنابراین، شدت جرم هدف نیز در تحقق این عنوان مجرمانه نقش تعیین‌کننده دارد و قانون‌گذار با این معیار، دایره جرم‌انگاری را کنترل و محدود می‌کند.

از منظر زمانی نیز، قلمرو این جرم تا زمانی استمرار دارد که جرم اصلی به‌طور کامل واقع نشده یا

حداقل وارد مرحله شروع به اجرا نشده باشد؛ بنابراین، به محض این که جرم اصلی آغاز یا محقق شود، مرتکبان دیگر تحت عنوان «اجتماع تبه‌کاران» تعقیب نمی‌شوند، بلکه بر اساس جرم اصلی ارتكابی مجازات خواهند شد. همچنین از حیث عنصر روانی، لازم است که مرتکبان علم و آگاهی نسبت به ماهیت مجرمانه توافق خود داشته باشند؛ یعنی باید بدانند که در جهت ارتكاب جرائم علیه امنیت یا سایر جرائم شدید اقدام می‌کنند. در صورتی که فردی بتواند اثبات کند که از ماهیت واقعی توافق بی‌اطلاع بوده یا تصور می‌کرده که هدف گروه مشروع یا غیرمجرمانه است، رکن روانی جرم نسبت به او مخدوش خواهد شد. باین حال، در عمل بار اثبات چنین ادعایی معمولاً بر عهده دادستان است که باید نشان دهد افراد با علم و آگاهی از ماهیت مجرمانه اجتماع، در آن مشارکت داشته‌اند؛ زیرا اصل بر برائت است و متهم الزامی به اثبات بی‌گناهی خود ندارد.

در نظام کیفری ایران، قانون‌گذار اجتماع و تبانی برای ارتكاب جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی را به عنوان جرم مستقل در ماده ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ پیش‌بینی کرده است. این رویکرد از حیث جرم‌انگاری گسترده قابل دفاع دانسته شده، زیرا برخی جرائم علیه امنیت از چنان اهمیتی برخوردارند که حتی توافق مقدماتی برای ارتكاب آن‌ها نیز می‌تواند تهدیدی جدی علیه نظم عمومی تلقی شود. باین حال، این شیوه قانون‌گذاری همواره محل بحث بوده است، به‌ویژه از این جهت که در برخی موارد، مفهوم «محاربه» نیز در کنار تبانی مطرح شده و این پرسش ایجاد شده است که آیا صرف اجتماع و توافق می‌تواند تحت عنوان محاربه قرار گیرد یا خیر؟ با توجه به تعریف قانونی محاربه در ماده ۱۸۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ که ناظر بر کشیدن سلاح به قصد ایجاد رعب و ناامنی عمومی است، به نظر می‌رسد صرف تبانی و توافق بدون تحقق رفتار مسلحانه، نمی‌تواند مصداق محاربه باشد و تسری این عنوان به صرف اجتماع، از نظر حقوقی و فقهی محل اشکال است.

درخصوص ماده ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ نیز، این ماده ناظر بر تبانی دو یا چند نفر برای ارتكاب جرائم علیه اعراض، نفوس یا اموال مردم است، مشروط بر

این که مقدمات اجرایی جرم فراهم شده باشد و به هر دلیل، جرم مورد نظر به مرحله تحقق یا شروع نرسیده باشد. در این ماده، قانون‌گذار وضعیت‌هایی را مدنظر قرار داده است که در آن‌ها رفتار مجرمانه در حد توافق و اقدامات مقدماتی باقی مانده است. پرسش اساسی در این جا آن است که آیا لازم است جرم مورد نظر قبلاً به صورت مستقل در قانون پیش‌بینی شده باشد یا خیر؟ به نظر می‌رسد قانون‌گذار در مقام بیان این نکته است که حتی اگر شروع به جرم خاصی در قانون به طور مستقل جرم‌انگاری نشده باشد، صرف اجتماع و تبانی همراه با اقدامات مقدماتی می‌تواند به عنوان جرم مستقل تحت ماده ۶۱۱ قابل مجازات باشد. در نتیجه، این ماده نوعی پوشش کیفری برای رفتارهای مقدماتی ایجاد می‌کند و با تعیین مجازات مستقل^۸، خلأهای احتمالی در حوزه شروع به جرم را جبران می‌نماید.

نتیجه

تبانی در حقوق کیفری ایران به صورت مشخص در دو ماده ۶۱۰ و ۶۱۱ قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ مورد جرم‌انگاری قرار گرفته است. ماده ۶۱۰ ناظر بر تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور است، در حالی که ماده ۶۱۱ به تبانی برای ارتکاب جرائم علیه اموال، اعراض و نفوس مردم اختصاص دارد. این تفکیک تقنینی نشان می‌دهد که قانون‌گذار ایرانی میان جرائم امنیتی و غیرامنیتی از حیث ساختار تحقق جرم و میزان خطر اجتماعی تفاوت قائل شده است. به همین دلیل، عنصر مادی و شرایط تحقق تبانی در این دو ماده یکسان نیست و بسته به نوع جرم، شدت مداخله کیفری نیز تغییر می‌کند. در ماده ۶۱۰، صرف توافق و اجتماع اراده‌های مجرمانه برای تحقق جرم کافی دانسته شده است؛ به این معنا که قانون‌گذار مرحله ذهنی و توافق را به تنهایی برای مسئولیت کیفری کافی تلقی کرده و نیازی به اقدامات مادی بعدی ندیده است. در مقابل، در ماده ۶۱۱ علاوه بر توافق، وجود شرایطی مانند فراهم آوردن وسایل ارتکاب جرم و نیز عدم انصراف ارادی از تصمیم مجرمانه نیز مورد توجه قرار گرفته است.

این تفاوت نشان می‌دهد که در ماده ۶۱۱ قانون‌گذار رویکردی محدودتر و مبتنی بر ظهور خارجی رفتار اتخاذ کرده، در حالی که در ماده ۶۱۰ رویکردی پیشگیرانه‌تر و مبتنی بر جرم‌انگاری زودهنگام دنبال شده است. همچنین از حیث سیاست کیفری، شدت برخورد در جرائم علیه امنیت به مراتب بیشتر است و در برخی موارد امکان انطباق عنوان محاربه نیز مطرح می‌شود؛ هرچند با توجه به تعریف قانونی محاربه و ضرورت وجود عنصر «کشیدن سلاح برای ایجاد رعب و ناامنی»، صرف توافق مجرمانه معمولاً برای تحقق این عنوان کافی به نظر نمی‌رسد و این انطباق با تردید جدی مواجه است. افزون بر این، در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، امکان تصور شروع به جرم تبانی و حتی تبانی در جرم محال موضوعی نیز در تحلیل‌های حقوقی مورد توجه قرار گرفته است.

از منظر تطبیقی، در حقوق کیفری فرانسه مفهوم تبانی بیشتر تحت عنوان «توطئه» یا «اجتماع تبهکاران» مطرح می‌شود و ساختار آن تفاوت‌هایی اساسی با حقوق کیفری ایران دارد. در این نظام حقوقی، توطئه زمانی محقق می‌شود که چند نفر^۹ با یکدیگر برای ارتکاب «سوءقصد» یا جرائم مشابه توافق کرده و در قالب یک گروه سازمان‌یافته اقدام به تقسیم نقش و برنامه‌ریزی کنند. به این ترتیب، تبانی در حقوق کیفری فرانسه نه صرفاً یک توافق ذهنی، بلکه یک ساختار سازمان‌یافته مجرمانه تلقی می‌شود که معمولاً مقدمه‌ای برای ارتکاب سوءقصد به شمار می‌آید. قانون‌گذار فرانسوی با جرم‌انگاری مستقل این وضعیت، در واقع تلاش کرده است مرحله پیش از اجرا را نیز به عنوان یک رفتار خطرناک قابل مجازات بشناسد و از شکل‌گیری باندهای مجرمانه پیشگیری کند.

در جمع‌بندی می‌توان گفت که در حقوق کیفری ایران، جرم تبانی در قالب دو ماده مشخص با تفکیک میان جرائم امنیتی و غیرامنیتی تنظیم شده و رویکردی نسبتاً ترکیبی میان جرم‌انگاری صرف توافق و لزوم اقدامات مقدماتی اتخاذ شده است. در مقابل، حقوق کیفری فرانسه با تمرکز بر مفهوم «اجتماع تبهکاران»، تبانی را در قالب یک ساختار سازمان‌یافته و مرحله‌ای پیش از اجرای جرم تعریف

کرده و آن را به عنوان جرمی مستقل و مانع به رسمیت شناخته است؛ بنابراین، تفاوت اصلی دو نظام حقوقی در میزان توجه به مرحله مقدماتی جرم و نحوه تبدیل توافق مجرمانه به رفتار قابل مجازات است؛ به گونه‌ای که حقوق کیفری ایران بیشتر بر تفکیک موضوعی جرائم تکیه دارد، در حالی که حقوق کیفری فرانسه بر سازمان‌یافتگی و خطر اجتماعی گروه مجرمانه تأکید می‌کند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- آشوری، داریوش، ۱۴۰۵، **دانشنامه سیاسی**، چاپ سی و هفتم، تهران، انتشارات مروارید.
- آقابابایی، حسین، ۱۳۸۴، گفتمان فقهی و جرم‌انگاری در حوزه جرائم علیه امنیت ملت و دولت، **فصلنامه فقه و حقوق**، شماره ۵.

- الهام، غلامحسین و سمیعی، حسین، ۱۳۹۲، جرم تبانی علیه اموال، اعراض و نفوس مردم، **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، شماره ۶۴.

- پوربافرانی، حسن، ۱۴۰۴، **جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی**، چاپ ششم، تهران، انتشارات جنگل.
- حبیب‌زاده، محمدجعفر و مؤمنی، مهدی، ۱۳۸۹، جرم تبانی علیه امنیت کشور در حقوق ایران، **فصلنامه پژوهش‌های حقوق تطبیقی**، شماره ۲.

- روسو، ژان ژاک، ۱۴۰۳، **قرارداد اجتماعی**، ترجمه مرتضی کلاتریان، چاپ بیست و دوم، تهران، نشر آگاه.

- سالاری، مهدی، ۱۳۸۷، **جرائم علیه امنیت کشور**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- سمیعی زنوز، حسین، ۱۳۹۱، **تبانی در حقوق کیفری ایران و انگلستان**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.

- عالی‌پور، حسن، ۱۳۸۷، توازن میان امنیت ملی و آزادی‌های فردی در مقابله با جرائم تروریستی، **رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی**، دانشکده حقوق، دانشگاه شهید بهشتی.

- عمید، حسن، ۱۳۹۳، **فرهنگ فارسی عمید**، چاپ سی و دوم، تهران، انتشارات امیرکبیر.

- گلدوزیان، ایرج، ۱۳۹۷، **حقوق جزای اختصاصی**، چاپ بیست و چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- مجیدی، محمود، ۱۳۸۶، **جرائم علیه امنیت**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.

- مهری، عباس، ۱۳۸۱، بررسی مفهوم امنیت ملی و تأثیر آن در توسعه پایدار، **فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک**، شماره ۱۵.

- موسوی، مصطفی؛ سبحانی، مهین؛ جانی‌پور، مجتبی، ۱۳۹۸، بررسی تطبیقی جرم تبانی در دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، **دوفصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری**، شماره ۱۹.

- میرمحمدصادقی، حسین، ۱۴۰۴، **جرائم علیه مصالح عمومی کشور**، چاپ چهل و هفتم، تهران، انتشارات میزان.

- نجفی ابرندآبادی، علی‌حسین؛ حبیب‌زاده، محمدجعفر؛ بابایی، محمدعلی، ۱۳۸۳، جرائم مانع (جرائم بازدارنده)، **فصلنامه مدرس علوم انسانی**، شماره ۳۷.

عربی

- فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۳۶۷، **کتاب العین**، جلد هشتم، چاپ اول، قم، انتشارات هجرت.

- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، ۱۳۸۵، **فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام**، چاپ اول، قم، مؤسسه دائره‌المعارف فقه اسلامی.

Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.28- Summer 2026

Legal Effects Arising from the Opening of Letters of Credit on the Buyer and the Beneficiary

Homayoun Mafi, Mohsen Raeisi, Ahmadreza Amiri Larijani

Examining the Potential for International Criminal Justice to Address Ecocide in the Context of Climate Change

Sobhan Tayebi, Majede Magholi

Analyzing the Nature and Mechanism of Enforcing Decisions of the International Court of Justice with an Emphasis on the Court's Practice in Facing Legal Lacunae

Somayah Rahmanian, Pouria Ebrahimzadeh

Prohibiting the Abuse of Emergency in the Iranian Legal System

Zeinab Ghaderi, Abdolmajid Yousefi, Sattar Fakhræi

Comparative Study of the Automatic Termination Clause in Iranian Law and the Contract Avoidance Mechanism under the United Nations Convention on Contracts for the International Sale of Goods

Hakime Mahmood Soltani, Mahdi Sheikh Mahmoodi

A Comparative Study of the Elements and Principles of Criminalizing Collusion to Commit a Crime in Iranian and French Criminal Law

Saber Sayyari Zohan

Challenges of Electronic Documents in Iranian Law

Mohammadreza Abdi, Sasan Vazin Puor

The Dual Role of Artificial Intelligence in Countering Misinformation and Deep Forgery: Challenges and Solutions

Atefeh Lorkijori, Seyed Ahmad Peyrovnaziri

Legal Nature of the Foundational Condition in Imamiyya Jurisprudence and Iranian Law; Explaining the Bases of Its Validity and Its Scope in Civil Partnership Contracts

Seyyed Alireza Hosseini, Mohammadreza Rostami, Tahere Jafari

A Jurisprudential Legal Study of the Status and Role of Wills of Intestate Persons in Determining the Disposition of Property After Death

Sayede Nazanin Mousavi

Foundations, Conditions and Effects of Criminal Sentences in the Iranian Criminal System

Kamran Rahimi Sekkeh Ravani

A Jurisprudential Study of the Invalidity of Transactions in the Law Requiring Official Registration of Immovable Property Transactions

Mahdi Rajaean, Jafar Ghajeh Beigloo

Child and Adolescent Victimization in the Metaverse: a Review of Understanding Causes to Prevention and Countermeasures

Javad Cheraghi

Analysis of the Supporting Roles of the Convention on the International Sale of Goods in Facilitating and Protecting International Trade

Esmail Chogani

The Function of the Prosecutors Criminal Policy in the Prevention and Prosecution of Crimes Violating Public Rights

Vahid Kioumars

Comparative Study of the Rule of Independence of Arbitration Clause in Iranian, French, English Law and the UNCITRAL Model Law; Theories and Practices

Saeed Johar

the Legal Status of Transactions of Periodically Insane Persons in the Law of Iran and England

Amirmohammad Tavakoli, Setayesh Haj Rajabali Tehrani, Fatemeh Allahverdi, Amirreza Noghravi

The Impact of Strict Laws on Drug-related Behaviors

Hamidreza Ghanaatian

The Peaceful Role of Nuclear Energy in Iranian law and the International System with a New Approach

Mojahed Amiri, Fatemeh Asgharzadeh Shirazi

The Impact of New Technologies, Smartification, and Digital Transformation on the Implementation of the Mandatory Registration Law

Negar Fouladi, Vajihe Mohseni

Criminological Analysis of Smuggling of Goods in Hormozgan Province

Ahmad Padidar, Mohammad Kamali

Smart Contract in the Iranian Legal System

Mahdi Salehi Zadeh

Legal Challenges of E-Government and Government Civil Liability

Saeed Sardashti Birjandi

the Principle of Impartiality of the Reason for Education in the Iranian Criminal Procedure

Mohammadhasan Malek Mohammadi

Qualitative Analysis of the Foundations and Scope of Criminal Liability in the Commission of Crimes Caused by Restless Legs Syndrome: the Interaction of Neuromotor Disorder with the Elements of Fault and Attributability

Zahra Enalouy Esfahani

The Relationship Between Rule and Exception in Iranian Civil Law with Emphasis on the Principle of the Binding Force of Contracts and Its Exceptions

Amirreza Alitabar

Institutional Castling: Military Enlistment and Mass Incarceration in the United States

Bryan L. Sykes, Amy Kate Bailey, Yasser Shakeri